

پژوهش امر مقدسی است که گاه به خاطر عدم آگاهی از اهمیت آن مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. در کتاب‌های روش تحقیق کارهای بسیاری را جزو پژوهش قلمداد می‌کنند مثل اینکه اگر کاری مربوط به گذشته بوده و شما آن را به صورت جدید منتشر کنید و یا اگر زبان آن را تغییر دهید و مناسب فهم مخاطب نمائید و یا ترجمه کنید البته، در بسیاری از موارد ترجمه را به عنوان یک کار عالمانه تلقی می‌کنند به شرطی که منتقدانه باشد و در این صورت از خود تألیف اهمیت بیشتری دارد. اما آنچه مهم است این است که در امر پژوهش بحث تولید و ترویج با هم مخلوط شده‌اند. البته باید دانست که در فضای پژوهشی ارزش ترویج که توزیع هم زیرمجموعه آن است کمتر از تولید نیست و ترویج از ارزش فراوانی برخوردار است اما بحث اصلی این است که آیا می‌توان نا پژوهش بر آن نهاد یا خیر؟ به نظر می‌رسد که در دنیای امر که دنیای پیشرفت‌های گوناگون است در این زمینه دو کلمه تحقیق و توسعه یا همان R&D آنچنان به هم بافته شده‌اند که گاه یکی به جای دیگری هم به کار می‌رود در حالیکه این دو یکی نیستند. تحقیق کاری است که سرانجام به تولید می‌انجامد اما توسعه، آن را ترویج می‌دهد یا برعکس ترویج باعث توسعه می‌شود و آن را همگانی می‌کند. در جهان امروز که جهان فن آوری است مثلاً پدیده‌ای تولید می‌شود و سرمایه‌گذاران اغلب آن را برای سود بیشتر ترویج می‌کنند و با انواع و اقسام ابزارها و امکانات از روی واقع‌نمایی و یا مبالغه همگانی می‌کنند. بدیهی است کار دوم دیگر تحقیق نیست و بیشتر اجرا و اجرایی کردن است اگر چه برای هر چه بهتر کردن تأثیر و نفوذ و اجرای آن ممکن است متوسل به تحقیق شوند.

در کارهای پژوهشی، به ویژه مقاله‌نویسی و ارائه آن به مجلات برای چاپ هم این مشکل وجود دارد. چه بسیار مقالاتی که به عنوان مقالات پژوهشی نوشته می‌شود که در واقع تولید نیست بلکه نوعی ترویج و توسعه است. برای مثال در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی وقتی با ابزار لیب کوال و یا سرو کوال تحقیقی برای اولین بار در یک کتابخانه انجام می‌شود، موارد

مشابه بعدی آن دیگر نمی‌تواند تحقیقی بکر باشد بلکه نوعی تسری و ترویج یک تولید و یا تسری تحقیق به موارد مشابه دیگر است.

می‌گویند تحقیق باید به دنبال نیاز باشد اما بسیاری اوقات اتفاق می‌افتد که بدون توجه به نیاز، محقق صرفاً با توجه به میل شخصی، با انگیزه پیشرفت در امور علمی و یا تحقیق کاری را شروع می‌کند در حالیکه معلوم نیست که آیا آن مورد پژوهشی در واقع بر اساس نیاز واقعی است یا خیر. از این بدتر اینکه گاه پژوهش‌های اینچینی به مشکل‌ها می‌افزایند. مثلاً در محیطی که مشکلی وجود نداشته، گاه با تحقیقی از این نوع، اگر از سر صرافت باشد مشکل آفرین خواهد بود. این امر یادآور داستان «آخوند خدا بد نده» می‌شود که در آن مکتبی‌های سابق برای اینکه درس را تعطیل کنند با تکرار اینکه آخوند مریض است او را متقاعد کردند که مریض است و سرانجام کلاس درس را تعطیل کردند. از این رو پژوهش باید برخاسته از نیاز باشد و نیاز را کسی درک می‌کند که در آن محیط بوده باشد و خود با مشکلات دست و پنجه نرم کرده باشد و ضرورت تحقیق را که اغلب دست کم گرفته می‌شود لمس نموده و به دنبال چاره و راه‌حل باشد. اینکه از روی بی‌موضوعی صرفاً ادعا کنیم که خوب تاکنون در این مورد و با این شکل هنوز تحقیقی انجام نشده است توجیه مناسبی برای اقدام به کار پژوهشی نیست. در این مختصر به نظر می‌رسد که بسیاری از تحقیقات، به یک یا چند عارضه زیر دچارند که به اختصار عبارتند از<sup>۱</sup>:

۱. مشابه‌گرایی. همانطور که گفته شد، در اغلب موارد مشاهده می‌شود که دانشجویان با عوض کردن جامعه پژوهش همان کاری را می‌کنند که دیگری در جا و مکان دیگری انجام داده است. اگر چه به فرض درک ضرورت این کار، کار بدی نیست اما بیش از آنکه تحقیق باشد از نوع ترویج و آزمایش آن در محیط دیگر است.

۲. تقلید‌گرایی. یکی از آفات پژوهش‌های ما، تقلید از دیگران و به‌ویژه مشابه‌های خارجی است. موضوعی را در مقاله‌ای می‌خوانیم و هوس می‌کنیم که آن را در اینجا هم بیازمائیم بدون آنکه به مقتضیات این تحقیق، زمینه فکری و فرهنگی، و نیاز آن در جامعه، تحقیق مقدماتی و میدانی انجام داده باشیم.

۱. در سرمقاله «پژوهش و اهمیت آن» به نکاتی در این مورد اشاره کرده‌ام.

۳. تازه‌گرایی. به این معناست که بسیاری از دانشجویان در توجیه موضوع خود اشاره می‌کنند که این کار تازه‌ای است و تاکنون انجام نشده است و به‌ویژه در نوآوری و یافته‌ها که بخش ضروری مقالات است آن را ذکر می‌کنند. از این حیث من آن را تازه‌گرایی به جای نوگرایی نامیدم تا نشان دهم که صرف تازه بودن بدون توجه به جنبه‌های زمینه‌ای - که امروزه حتی در کشورهای غربی و پیشرفته هم مورد توجه قرار گرفته است - نمی‌تواند توجیه کافی برای انجام پژوهش باشد.

۴. کلی‌گرایی. یکی از آفت‌های پژوهش در بعضی موارد کلی‌گرایی است. البته منظور، کل‌گرایی در برابر فردگرایی مورد علاقه پوزیتیویسم نیست زیرا پوزیتیویست‌ها هم با کل‌گرایی مخالف بودند ولی امروز در قالب پژوهش کیفی به آن توجه ویژه شده است. بلکه منظور این است که گاه موضوع آنچنان کلی انتخاب می‌شود که حاصل آن را کمتر کسی می‌تواند مورد استفاده قرار دهد. مثلاً اگر کسی بخواهد مسائل فرهنگی جامعه ایران را در قالب یک مقاله بررسی کند بدیهی است که به کلی‌گویی پرداخته است.

۵. نادیده‌گرایی. نادیده‌گرایی آفتی است که محققان داخلی اغلب گرفتار آن هستند به این معنا که آنها آثار دوستان و همکاران خود را نمی‌بینند و از کنار آن رد می‌شوند. در حالیکه انصاف در امر پژوهش این است که به همه افکار نو پژوهشی که توسط هموطنان و بویژه همکاران عرضه می‌شود توجه گردد و مورد استفاده قرار گیرد.

۶. بی‌انصاف‌گرایی. در ادامه مورد قبل گاه پژوهش دیگران دیده نمی‌شود و گاه اگر دیده شود به جای نقد سالم، با غرض با آن برخورد می‌شود. در یک جامعه سالم پژوهشی باید نظرات دیگران را دید و شنید؛ چنانچه مرتبط است به ذکر آن پرداخت و افراد را در اظهارنظر تشویق کرد. اگر ایراد دارد ایراد آن منصفانه ذکر شود و در ضمن محاسن آن هم نادیده گرفته نشود. اگر چنین سنتی رواج پیدا کند چه بسا گفت‌وگوهای سالم که در جامعه شکل می‌گیرد و این، خود، باعث توسعه دانش می‌شود.

۷. بیگانگی‌گرایی. یکی دیگر از عیوب پژوهشی جامعه ما توجه بیش از حد به بیگانگان است. ما ترجیح می‌دهیم به گفتار بیگانگان هر چند آنها را شناسیم و یا کم‌شناسیم بیشتر استناد کنیم و از قول آنها شاهد مثالی بیاوریم ولی از محققان و نیز دانشجویان داخلی کمتر استناد

بیاوریم. حتی اگر با دید منصفانه گفتار همکاران و هموطنان خود را بیاوریم و با ذکر محاسن آن را هم نقد کنیم قطعاً باعث رشد تحقیق در کشور شده‌ایم.

۸. رقابت‌گرایی. رقابت‌گرایی که از آن به سیاست‌گرایی و یا مدرک‌گرایی هم می‌توان یاد کرد این است که تحقیق به منظور مقابله یا رقابت با فرد و یا گروه خاصی انجام شود. البته رقابت امری مطلوب است اما از آنجا که پژوهش باید برخاسته از نیاز باشد، چنانچه مسئله رقابت در آن داخل شود کیفیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پژوهش به جای آنکه برای رفع نیاز باشد به اصطلاح برای رو کم کردن رقیب خواهد بود. رقابت‌هایی که اکنون برای هر چه بیشتر کردن مقالات در ISI و مانند آن می‌شود اگر صرفاً به خاطر خود نشان دادن و یا کم‌نیاموردن از دیگران و قرار گرفتن در رده بالای شمارش مقالات باشد ارزش کار تحقیقی را پایین می‌آورد. در سطح دانشگاهی هم گاه تحقیق به خاطر رقابت بر سر به‌دست آوردن اعتبارات، ترفیع و ارتقاء است و بدیهی است که هدف پژوهش به منظور رفع نیازهای واقعی فردی و اجتماعی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

۹. آمار‌گرایی. سنت پوزیتیویسم با آنکه در غرب مورد چالش شدید قرار گرفته است در کشور ما رونق خود را هنوز حفظ کرده است. اینکه تحقیق حتماً باید جدول و آمار داشته باشد برای بسیاری حتمی است. البته درست است که وقتی آمار و ارقام در مقاله‌ای باشد انسان زودتر دستگیرش می‌شود که مؤلف چه می‌خواهد بگوید اما صرفاً دادن آمار نمی‌تواند حقایق پژوهش را عیان سازد. آمار ابزاری است که هر محقق می‌تواند به نفع خود آن را توجیه کند. آمار بدون توجه به تحلیل و عنایت به کیفیت چه مشکلی را می‌تواند حل کند ضمن اینکه به صحت رسیدن به آن آمار، خود مقدمه‌ای برای تحلیل فراهم می‌کند.

۱۰. نقل قول‌گرایی. در اینکه در تحقیق و پژوهش باید به آثار دیگران توجه شود شکی وجود ندارد اما افراط در آن گاه پژوهش‌ها و به‌ویژه پژوهش دانشجویی را به جمع‌آوری یک‌سری نقل‌قول‌ها و چسباندن آن در کنار هم تبدیل می‌کند. البته در این کار خطر نقل مستقیم و غیرمستقیم و عدم رعایت مقررات آن هم وجود دارد.

۱۱. ناتحلیل‌گرایی. ناتحلیل‌گرایی به عنوان آفتی برای پژوهش‌های ما، به این معناست که بسیار دیده می‌شود که پژوهش صرفاً جمع‌آوری نقل‌قول‌هاست که اگر با دقت به آن نگریسته

شود و قرار باشد نقل قول‌ها جمع‌آوری شود چیزی برای پژوهشگر باقی نمی‌ماند. گاه انصاف تا به آنجاست که مثلاً فصل با گیومه نقل قول شروع می‌شود و به آن ختم می‌شود که اگر نقل قول‌ها حذف نشود «واو» عطف آن از محقق باقی می‌ماند.

۱۲. نامخاطب‌گرایی. یکی از نقائص پژوهش‌های ما عدم توجه به مخاطب است. این عدم توجه گاه به لحاظ موضوع و محتوای ارائه شده است که معلوم نیست برای چه گروه و سن و دسته‌ای نوشته شده و گاه به لحاظ نگارشی مشکل دارد و سطح نگارش و یا ادبیات مورد استفاده قابل فهم برای مخاطب یا مخاطبان فرضی نیست.

۱۳. استناد‌گرایی. بسیاری پژوهش را با استنادهای آن ارزیابی می‌کنند و این خود سبب می‌شود که محققان بیش از حد به استفاده از استناد روی آورند و چنین تصور کنند که هر چه استناد بیشتر باشد مقاله معتبرتر است. البته استناد در حد معمول هم لازم است و هم مطلوب ولی باید با افراط در آن مقابله شود زیرا آنچه در تحقیق مهم است نوآوری و تولید فکر جدید است که باید پشتوانه قوی هم داشته باشد. در استنادها هم باید به سرچشمه توجه شود تا به واسطه‌ها، تا استحکام کار بیشتر گردد.

۱۴. ناکاربرد‌گرایی. یکی دیگر از عیوب پژوهش‌های ما عدم توجه به کاربرد و ارائه بهینه آن برای کاربردی شدن اثر است. علم نافع که از آن در موارد بسیاری سخن گفته شده است ناظر به همین کاربرد است. پژوهشی ارزشمند است که به کار آید و گروه و یا گروه‌هایی از آن استفاده کنند و اگر پژوهش بنیادی است متفکران به اصالت و تأثیر آن - بر اساس توجیهی که محقق می‌کند - اذعان کنند.

۱۵. اطناب و ایجاز‌گرایی. ممکن است هنوز عده‌ای باشند که کار پژوهشی خود را با تعداد صفحات ارزیابی می‌کنند و چنین می‌پندارند که باید پژوهش به حدی از صفحات برسد. این امر هم در مقاله و هم در پایان‌نامه اتفاق می‌افتد. ولی باید دانست که اصرار به این امر موجب می‌شود که پژوهشگر گرفتار تکرار در عبارات شود و یا موضوع و موضوعاتی را بیش از حد توضیح دهد و یا ناگزیر باشد از اصطلاحات گوناگون استفاده کند که خود این بر غموض درک مطالب می‌افزاید. شفافیت اصطلاحات و عدم پرش از این شاخه به آن شاخه به فهم مطالب کمک می‌کند. در مقابل، اختصار بیش از اندازه هم کار پژوهشی را با مشکل مواجه می‌کند.

۱۶. فردگرایی. بسیاری از پژوهش‌های ما فردی انجام می‌شود و این نشان از عدم تفاهم برای همکاری، عدم گذشت نسبت به آرائی که هر فرد دارد، و یا عجله برای به نتیجه رسیدن و یا قبول نداشتن یکدیگر و یا عوامل دیگر ناشی می‌شود. حتی اگر به صورت جمعی هم پژوهش انجام می‌شود این پژوهش‌ها در حلقه‌های بسته شکل می‌گیرد. البته این امر اگر چه منفی نیست ولی مناسب تر است که استادان، دانشجویان را به کار جمعی تشویق کنند. در بعضی دانشگاه‌ها مثل دانشگاه علوم پزشکی مشاهده شده و می‌شود که حتی پروژه‌های پایان‌نامه به صورت جمعی ارائه می‌شود. این امر می‌تواند در علوم انسانی نیز اجرا شود.

۱۷. نرم‌افزارگرایی. پژوهش‌های ما در عصر جدید به مقدار زیادی وابسته به نرم‌افزار شده است. در عین حال که این امر فی‌نفسه چیز خوبی است ولی اگر باعث شود که از میزان تفکر بکاهد و پژوهشگر از تحلیل بازماند و فقط متکی به نرم‌افزار باشد سیطره نرم‌افزار را پذیرفته و قدرت تحلیل را کاسته است. توجه به ویژگی‌های نرم‌افزاری و دقت در کیفیت کارآیی آنها و فکر برای تکمیل و بهبود و یا ایجاد نرم‌افزارهای جدید می‌تواند نقص را برطرف کند.